

درآمدی بر دکترین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت در جمهوری اسلامی

رضا عیسی‌نیا^۱

چکیده

چگونگی تحقق حکومت در زمان غیبت امام زمان و نیز در زمان ظهور آن حضرت، پرسشی است که این نوشتار در پی یافتن پاسخی مناسب برای آن می‌باشد. بدین منظور، به دکترین‌های انجام گرفته در جامعه منتظران، یعنی دکترین‌های اسقاط تکلیف یا تحریم حکومت در عصر غیبت و دکترین قیام (اعم از قیام با وجوب حکومت و قیام با جواز حکومت) پرداخته و در زمان ظهور نیز به سه نوع دکترین که عبارتند از: دکترین قیام طبیعی، دکترین عدل مبتنی بر علم امام علیه السلام و دکترین قابلیت اجتماعی، اشاراتی کرده‌ایم. بر این اساس، می‌توان گفت هدف نویسنده مقاله در این نوشتار، برجسته کردن و تقویت دو مطلب است: ۱. نه تنها در عصر انتظار باید کوشید تا از دکترین قیام چیزی کاسته نشود، بلکه باید جامعه را با سرشت و ماهیت آن، انس و الفت داد؛ ۲. نویسنده معتقد است در عصر ظهور، دکترین قابلیت اجتماعی به گونه‌ای است که در حوزه‌های روشنفکری و مجامع علمی دانشگاهی، قابل دفاع‌تر است.

واژگان کلیدی

دکترین و مقدمات آن، عصر انتظار (دکترین اسقاط تکلیف، دکترین قیام)، عصر ظهور (دکترین عدل مبتنی بر علم، دکترین قیام طبیعی، دکترین قابلیت اجتماعی)، انجمن حجتیه، امام خمینی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی).
تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۳ پذیرش نهایی: ۸۸/۴/۱۰

مقدمه

در میراث ما آمده است همه پیامبران الهی که از سوی خدای متعال در میان بشر مبعوث شده‌اند، برای رسیدن به دو هدف اساسی کوشیده‌اند: ۱. برقراری ارتباط صحیح میان بنده و خالق؛ یعنی منع بشر از پرستش هر موجودی غیر از خالق خودش، بر اساس کلمه طیبه «لا اله الا الله»؛ ۲. برقراری روابط حسنه و صالحه میان افراد بشر، بر اساس عدالت و صلح و صفا، تعاون، احساس عاطفه و خدمت به یکدیگر. ائمه نیز درصدد تبیین چنین چیزی برای زندگی بشر بوده‌اند و در این راه کوشش‌های فراوانی کرده و مرامت‌های بسیاری را متحمل شده‌اند، ولی تا به حال نتوانسته‌اند عدل کلی را برقرار سازند؛ یعنی روزی برای بشر پیش بیاید که در آن روز، اثری از این ظلم‌ها و ستم‌ها و تبعیض‌ها و جنگ‌ها و لوازم اینها، یعنی دروغ‌ها و نفاق‌ها و نیرنگ‌ها وجود نداشته باشد. (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۸، ۱۵۲) با این وجود، ما معتقدیم پیش از پایان جهان، امام زمان ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. بنابراین، می‌توان گفت مهدویت و توجه به امام زمان، یکی از زنده‌ترین مسائل اسلامی است که سبب امید و تشویق مسلمانان به ویژه شیعیان، چه قبل از انقلاب اسلامی ایران و چه در زمان جمهوری اسلامی بوده است، به گونه‌ای که هدف از مبارزات اسلامی، در حقیقت تحقق نظام اسلامی و بسترسازی و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی و عدل‌گستر حضرت حجت بن الحسن العسکری بود. البته اعتقاد به مهدویت دارای جنبه‌های متعددی است که پرداختن به آن، ضرورت کار را دو چندان می‌کند به‌ویژه که پس از انقلاب اسلامی، رابطه قلبی و معنوی مثبت میان آحاد مردم و امام زمان بیشتر شده است و انتظار و مهدویت در مکتب فکری تشیع بازتعریف و بازتولید شده است و مردم درصدد احیای این رابطه و بهتر زنده نگه داشتن آن هستند و روز به روز هم افزایش می‌یابد.

یکی از نشانه‌های این رابطه معنوی روزافزون به امام زمان را می‌توان شمار زائران مسجد جمکران دانست که تا پیش از انقلاب، مسجد جمکران حداکثر صد نفر زائر داشت، ولی امروزه پانزده میلیون نفر در سال است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۷) یا با توجه به درصد کتاب‌ها و آثار منتشر شده درباره امام (ع) در پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن، می‌توان مدعی شد

که امروزه توجه به عنصر انتظار و مهدویت در کشور ما، حال و هوای دیگری یافته و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است البته با وجود آثار متعدد و باارزشی که درباره مدخل‌هایی همچو یاران مهدی، مهدی در قرآن و روایات، مدعیان مهدویت، علائم ظهور، تشریف، نیابت (خاص و عام)، طول عمر حضرت، اثبات امامت حضرت مهدی و موعود در ادیان الهی و غیر الهی و حکومت حضرت مهدی در سطوح خردسالان و جوانان و بزرگسالان، نگاشته شده است، با این حال هنوز جا دارد در عصر غیبت، به زوایای دیگری از مدخل حکومت مهدی یا حکومت‌های ایجاد شده در مکتب فکری مهدویت بپردازیم تا مسئله روشن‌تر شود.

خلاصه اینکه هر چند هر یک از مدخل‌های بیان شده، بسامد، انعطاف‌پذیری و قابلیت تحقیق مستقلی را دارند، ولی ما در این نوشتار با توجه به این مطلب که: ۱. آیا چنین روزی (زمان اجرای عدل کلی) برای بشریت خواهد آمد که به عدل کلی دست یابند؟ ۲. آیا پیش از دست یافتن به چنین روزی، بشر وظیفه‌ای در اجرای عدالت دارد یا خیر و اگر دارد، به چه اندازه و چگونه، تنها به یک مدخل، یعنی حکومت یا چگونگی تحقق حکومت در زمان غیبت و در زمان ظهور امام زمان خواهیم پرداخت.

بر این اساس، در جمهوری اسلامی ایران می‌توان در دو سطح نسبت به دکترین‌هایی که در ارتباط با فلسفه مهدویت هستند، مباحثی را گزارش کرد.

۱. دکترین‌های مطرح شده مشعر به جامعه منتظران

تابه حال در جامعه منتظران شیعی، دو دکترین ارائه شده است که عبارتند از: ۱. دکترین تعطیلی حکومت (یا اسقاط تکلیف)؛ ۲. دکترین قیام یا تأسیس حکومت که البته هر یک از دکترین‌های موجود، یک نوع جامعه‌ای را توصیف و تبیین می‌کنند و در پی آن، ویژگی‌ها و لوازمات آن را بیان می‌دارند.

۲. دکترین‌های مطرح شده مشعر به جامعه ظهور

در این قسمت، به دکترین‌هایی همچو دکترین قیام طبیعی؛ دکترین عدالت مبتنی بر علم امام و دکترین قابلیت اجتماعی خواهیم پرداخت، ولی قبل از تشریح مباحث اصلی فوق‌الذکر، پرداختن به مبحثی با عنوان مقومات دکترین ضروری است. بنابراین، نوشتار را با این پرسش‌ها پی می‌گیریم:

۱. دکترین چیست و آیا بین دکترین و جهان‌بینی (مکتب فکری) فرقی هست یا خیر؟
 ۲. مقومات دکترین (در این نوشتار، دکترین مساوی با نظریه است) چیست یا چگونه یک نظریه اجتماعی شکل می‌گیرد یا چگونه از بین می‌رود؟
- بنابراین، این مقاله در سه بخش مباحث را ارائه می‌دهد:
۱. بخش اول: تعریف دکترین و پرداختن به مقومات آن؛
 ۲. بخش دوم: دکترین‌های مرتبط با مهدویت در عصر انتظار؛
 ۳. بخش سوم: دکترین‌های مرتبط با مهدویت در عصر ظهور.

۱. بخش اول: دکترین یا نظریه چیست؟

در تعریف دکترین گفته شده است که این مفهوم از واژه لاتینی «Doctrina» گرفته شده است و با سه تعریف ۱. نوعی از جهان‌بینی؛ ۲. مجموعه‌ای از نظام‌های فکری؛ ۳. اصولی برای خطامشی دولت‌ها، مترادف است. از این رو، در تعریف آن گفته شده است که دکترین، نوعی از جهان‌بینی است که برنامه‌های سیاسی بر اساس آن، پایه و بنیاد گرفته باشد یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها مشی خود را به‌ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند، اطلاق می‌گردد. (علی‌بابایی و آقای، ۱۳۶۵: ۲۷۰)

با کنکاش و بررسی درباره واژه و مفهوم دکترین در ترمینولوژی و فرهنگ اصطلاحات سیاسی، می‌توان گفت این واژه در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی متداول است و در

معنای سوم، کاربرد بیشتری دارد؛ مانند دکترین برژنف^۱، دکترین مونرو^۲، دکترین فرانک سیناترا^۳، دکترین ضرورت نظامی، دکترین اطاعت کورکورانه، دکترین یک لیوان آب^۴ که همه این دکترین‌ها شامل مطالب زیر هستند:

۱. اینکه در چه زمانی و چرا یا به چه سببی چنین دکترینی صادر شده است؟

۲. چه اصولی را دربرمی‌گیرد؟

۳. اینکه خاصیت دکترین این است که باید به آن عمل شود،^۵ آن هم در یک برهه‌ای از زندگی و حیات سیاسی.

با اینکه میان دکترین و جهان‌بینی تفاوت قائلیم، ولی در این نوشتار، دکترین را مترادف با نظریه گرفته‌ایم، آن هم نظریه‌ای که متفاوت از معانی مصطلح در جامعه‌شناسی پوزیتیویستی «اثباتی» است؛ زیرا آنها تنها قابل تجربه و آزمایش بودن را عامل معتبر بودن نظریه می‌دانند. همچنین مراد ما از نظریه، نظریه اجتماعی است، نه نظریه جامعه‌شناسی.^۶

بنابراین، نظریه یا دکترین ایده عمومی درباره آنچه که ما ممکن است در پی آن باشیم

1 . Brezhnev Doctrina

2 . Doctrine monaroe

3 . Frank Sinatra Doctrine

4 . One Glass of Water Doctrine

۵ . برای مثال، دکترین مونرو بر اساس دو اصل: ۱. تشکیل مستعمرات جدید؛ ۲. ممنوع بودن دخالت سیاسی لیل طرح این دکترین هم دو مسئله بوده است: ۱. دولت

۲. به دلیل ترس از اتحاد مقدس دولت‌های اروپایی با اینکه این دکترین هرگز از سوی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نشد، ولی امریکا به این دکترین در برهه‌ای خاص عمل کرد. (نک: غلامرضا علی بابایی و دکتر بهمن آقایی، ۱۳۶۵: ۱۵۶) ۶. نظریه جامعه‌شناسی، متوجه مسائل مطرح در علم جامعه‌شناسی است، ولی نظریه اجتماعی، نظریه‌ای است که همه موارد علوم اجتماعی را در بر می‌گیرد. (برای اطلاع بیشتر از تفاوت میان نظریه اجتماعی و نظریه جامعه‌شناسی نک: تقی آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۷۶)

و نیز برخی راه‌های اندیشیدن در آن باره را ارائه می‌دهد. پس آنچه در این نوشتار از دکترین مهدویت اراده شده است، همان مکتب فکری مهدویت یا فلسفه مهدویت است که قابلیت دربرگرفتن دکترین‌های متعدد در عصر ظهور و عصر انتظار را دارد. این دکترین، دارای سه ویژگی است که عبارتند از: ۱. مفاهیم به کار گرفته شده در آن، گویایی کافی را داشته باشد؛ ۲. با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، تناسب واقعی داشته باشد؛ ۳. قابلیت به‌کارگیری در شرایط خاص را دارا باشد؛ چرا که نبود هر یک از این عناصر، زمینه و عاملی در تباهی دکترین به‌شمار می‌آید.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت دکترین در این نوشتار، یعنی چگونه می‌شود آنچه رخ داده است را توضیح داد یا اینکه دکترین، چارچوبی برای درک امر واقع یا وضع موجود به منظور پیش‌بینی آینده است. به این اعتبار، می‌توان گفت که دکترین‌ها، گزارش گونه‌اند و شرطی بودن نیز از ویژگی آنها به‌شمار می‌رود؛ بدین معنا که اگر وضعیت اکنون چنین است، پس در آینده چنان خواهد شد.

خلاصه، هنگامی که گفته می‌شود «دکترین مهدویت»، از آن دو چیز اراده می‌شود: ۱. یا به معنای آموزه‌ای است که درباره آن نظریه‌پردازی می‌کنیم؛ ۲. یا به معنای مدرسه یا مکتب فکری است که از آن یک‌سری تعالیم، اصول و بنیادها بیرون می‌آید. با توجه به این مطالب به‌طور مستقیم به دکترین مهدویت نپرداخته‌ایم، بلکه دکترین‌های مرتبط با فلسفه و مکتب مهدویت در جمهوری اسلامی را بررسی کرده‌ایم.

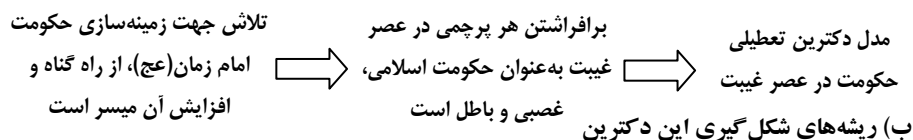
بخش دوم: دکترین‌های مرتبط با مهدویت در عصر انتظار

۱. دکترین تعطیلی حکومت یا اسقاط تکلیف

الف) تعریف دکترین اسقاط تکلیف

ایده‌ای است مبتنی بر اینکه باید عالم از معصیت لبریز شود تا حضرت حجت ظهور کند و نیز

باید نهی از منکر و امر به معروف نکرد تا گناه افزایش یابد؛ زیرا با افزایش گناه، فرج نزدیک می‌شود. از این‌رو، تحقق هر حکومتی در زمان غیبت، باطل و بر خلاف اسلام است. بنابراین، مدلی که این دکترین ارائه می‌دهد، بدین صورت است:



در دهه سی، تشکلی مذهبی با هدف مبارزه با بهائیت در تهران و سپس دیگر شهرها پدید آمد که رهبری این تشکل مذهبی از سال ۱۳۳۲ در اختیار یک روحانی به نام حاج شیخ محمود تولائی (ذاکرزاده) مشهور به حلبی^۱ بود. (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۷۰) ایشان مؤسس «انجمن حجتیه» بود؛ انجمنی که تا دو دهه پیش از پیروزی انقلاب، بر این باور بود که حوزه دینی از عرصه حکومت مستقل است. از این‌رو، از ابتدای تأسیس بر عدم دخالت در سیاست تأکید داشت و با برچسب‌هایی همچون حجتیه‌ای، حزب قاعدین، گروه عافیت‌طلب، اسلام شاهنشاهی، اسلام عافیت‌طلب و ولایتی‌های بی‌ولایت شناخته می‌شدند. بعدها حلبی، نام انجمن حجتیه مهدویه را برای تشکیلات خود برگزید و به آن هویت رسمی و قانونی داد.

با اینکه انجمن در طول حیات خود، دچار چالش‌های بسیاری شد، ولی آنها بر اساس این اصل که تنها حکومت عادلانه و صالح، حکومت و دولت امام زمان است، بر اعتقاد خود پایداری کردند و انجمن را در برابر سیل انتقادات واکسینه نمودند.

۱. حلبی در ۱۲۸۰ هـ.ش در مشهد به دنیا آمد و دروس طلبگی را در همان شهر آموخت. او نزد اساتید بنام مانند میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری معروف به ادیب اول، به تحصیل پرداخت و دروس سطح را نزد حاج شیخ محمد نهایندی و حاج میرزا احمد کفایی گذراند. متون فلسفی را نیز نزد حکیم آقابزرگ فرا گرفت و خارج اصول و فقه را نزد حاج میرزا محمد کفایی و مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین قمی آموخت. در مسائل اخلاقی و عرفانی نیز متأثر از مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی بود. (نک: رسول جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۷۰)

پیش از انقلاب اسلامی، این انجمن با هدف از بین بردن نفوذ بهائیت، تنها تشکیلات غیر دولتی‌ای بود که در همه شهرها و حتی روستاهای کشور، پایگاه تشکیلاتی داشت، به‌گونه‌ای که در همه ادارات و تشکیلات دولتی، افرادی ذی‌نفوذ و وابسته به انجمن حضور داشتند. حتی در ارتش که از سوی حاکمیت، سخت کنترل می‌شد، کادرهایی از انجمن بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل آنکه بهائیت از بین رفت، انجمن نیز جهت‌گیری دیگری یافت و با حضور اعضای تشکیلاتی خود در ارگان‌های اجرایی و اعمال معیارهای اعتقادی خود، نظام سیاسی جدید را به شیوه دیگری شارژ می‌کرد که این تأثیرگذاری و شارژ انجمن بر سیاست‌های جاری و نفوذ آنان بر ارگان‌ها و ادارات تا بدین‌جا رسید که حضرت امام خمینی نسبت به این مسئله واکنش نشان داد و مسئولان را از گسترش این نفوذ و تأثیرگذاری برحذر داشت. (مهدی، ۱۳۸۳: ۳۴ و ۳۵)

ج) بررسی وضعیت و موقعیت این دکتترین در جمهوری اسلامی

با وجودی که انجمن حجتیه در سال ۱۳۶۲ رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد، (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۷۵) ولی به‌صورت غیررسمی فعالیت خود را ادامه می‌داد تا اینکه در پی سخنان صریح و افشاگرانه امام خمینی (پیام به روحانیت ۶۷/۱۲/۳) در ارتباط با مسئله انجمن حجتیه و اشاره به آسیب‌هایی که از سوی این انجمن منحط و انحرافی به اسلام وارد آمده است، مجلس شورای اسلامی با امضاء ۷۰ نفر از نمایندگان، طرحی به منظور برکناری و منع انتصاب عناصر انجمن حجتیه از پست‌های کلیدی و حساس کشور تهیه کرد و با قید «عادی»، در دستور کار شماری از کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی قرار داد. این طرح پس از بررسی در ۱۱ کمیسیون، در قالب یک ماده و ۳ تبصره، به‌وسیله کمیسیون اداری و اقتصادی به‌عنوان کمیسیون اصلی، تقدیم مجلس شد و در دستور کار جلسه علنی مجلس، در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۸ قرار گرفت.

بر اساس این ماده واحده، انتصاب افراد وابسته به این انجمن در پست‌های کلیدی و

حساس رسمی و غیررسمی کشور، ممنوع شد و نیز دولت و بالاترین مقام قضایی و نیروهای مسلح دستور یافتند حداکثر در مدت سه ماه، به برکناری عناصر وابسته به آن از پست‌های کلیدی و حساس اقدام کنند.^۱

این طرح پس از قیل و قال‌های مخالفان و موافقان، به رأی نمایندگان مجلس گذاشته شد و رد گردید. بنابراین، متأسفانه حساسیتی که امام خمینی نسبت به این حرکت داشت، به فراموشی سپرده شد؛ حساسیتی که بارها و بارها به آن هشدار داده بود. از جمله در «اختراز اعضای شورای نگهبان از افراد مقدس‌نما» می‌گوید: حواستان را جمع کنید که نکند که یک مرتبه متوجه شوید که انجمن حجتیه‌ای‌ها همه چیزتان را نابود کردند.^۲ این دکترین پس از چهار دهه فعالیت، در نهایت در دهه ۶۰، به‌عنوان دکترینی که توان کافی برای تحلیل واقعیت‌های اجتماعی را ندارد، به زوال نهاد. از این‌رو، امروزه از دکترین اسقاط تکلیف به‌عنوان دکترین مرده یاد می‌شود.

(د) بررسی ویژگی‌های این دکترین

برای پاسخ به این پرسش که آیا انجمن حجتیه و تفکر و فرهنگ آن، به‌عنوان یکی از تهدیدهای خطرناک و شکننده علیه انقلاب اسلامی به شمار می‌آید یا خیر، باید با ویژگی‌های دکترین این انجمن آشنا گردید. بنابراین، لازم است به ویژگی‌های آن اشاره شود.

ی.ک. برداشت نادرست از انتظار فرج

امام خمینی در معرفی ویژگی‌های معرفتی صاحبان این دکترین می‌گوید:

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل،

۱. مجله بیان، ش ۵ و ۶ مهر و آبان ۱۳۶۹، پست‌های کلیدی در دست لیبرال‌ها و انجمن حجتیه‌ای‌ها؟ ص ۳۸.
۲. تذکر: سخنان امام خمینی (ع) در صحیفه امام یافت نشد، ولی در مجله بیان، ش ۵ و ۶ مهر و آبان ۱۳۶۹، ص ۳۴، با عنوان عوامل و شرایط تضعیف شورای نگهبان، آمده است.

بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان ع را از خدا بخواهند و ما کاری نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد... ما تکلیف خودمان را عمل می‌کنیم؛ برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیاید، ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد، یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم. (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۶۸)

همچنین صاحب‌نظران این دکتترین در زمینه اسقاط تکلیف استدلال می‌کنند: «من که دلم بیشتر نسوخته به اسلام از حضرت صاحب - سلام الله علیه - خوب، ایشان هم که می‌بینند این مطالب را؛ خود ایشان بیایند، چرا من بکنم». (همان)

دو. افزایش گناه جهت تعجیل ظهور حضرت

در این دکتترین، دو دسته قرار می‌گرفتند: یک دسته‌ای که می‌گفتند باید عالم پر معصیت شود تا حضرت بیاید و ما هم باید دست از امر به معروف و نهی از منکر بکشیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، در نتیجه، گناه زیاد می‌شود و به تبع آن، حضرت ظهور می‌کند، اما یک دسته‌ای از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید خودمان دامن به گناه بزنیم و مردم را دعوت کنیم به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم شود و حضرت - سلام الله علیه - تشریف بیاورند. (همان: ۴۴۹)

خلاصه اینکه تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید. اینان می‌گویند که یک حکومت عدل اصلاً نباید باشد؛ باید جلوییش را گرفت تا حضرت تشریف بیاورند. (همان: ۳۷۲)

سه. باطل شمردن تشکیل حکومت در زمان غیبت

سومین ویژگی این دکتترین، این است که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق شود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است و استدلالشان هم بر اساس روایت: «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ، صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ» (علامه مجلسی، ج ۲۵، ۱۱۴) بود یعنی اینکه هر عَلمی قبل از

ظهور حضرت حجت بلند شود، آن عَلم، عَلم باطل است. (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۷۳)

ه. پیامدهای دکترین اسقاط تکلیف

دکترین اسقاط تکلیف با پیامدهای سوء بسیاری که دارد، در جامعه ظهور می‌کند. این دکترین به سبب آثار منفی بسیاری که دارد، از دکترین‌های دیگر متمایز می‌شود. اینک به صورتی اجمالی به برخی از آن پیامدها اشاره می‌کنیم.

ی.ک. جدایی دین از سیاست

یکی از دلایلی که انجمن حجتیه یا دکترین اسقاط تکلیف توانست در دوران نظام سیاسی پهلوی دوم به فعالیت بپردازد، اعتقاد آنان به جدایی دین از سیاست بود، اعتقاد به چیزی که امام خمینی می‌گوید وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد، قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید. این فضای فکری آنچنان قبل از انقلاب جا افتاده بود که حضرت امام می‌افزاید که هرکس صد در صد معتقد به مبارزه نبود، زیر فشارها و تهدیدهای مقدس‌نماها از میدان به در می‌رفت. وجود تفکراتی چون ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و... و از همه گمراه‌کننده‌تر، تفکر حکومت قبل از امام زمان، باطل است. (همان: ۳۷۲) سبب سخت شدن و گند شدن مبارزات بود.

دو. حرمت همه چیز حتی مبارزه علی‌ه ظلم

صاحب‌نظران این دکترین و به‌قول امام خمینی، عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا، همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها (حجتیه‌ای‌ها) قد علم کند؛ کسانی که دیروز مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند. (همان)

سه. روا داشتن محرمات

تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - را مفید و راهگشا می‌دانستند. (همان)

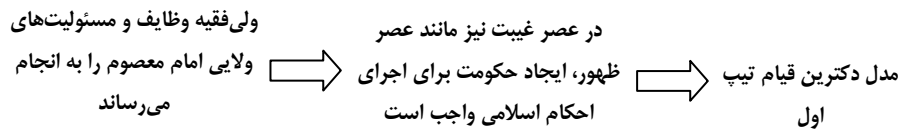
چهار. نفی حکومت و ترویج هرج و مرج

۲. دکترین قیام

دکترین قیام، در دو سطح قابل بحث است: الف) دکترین قیام تیپ اول یا دکترین وجوب حکومت؛ ب) دکترین قیام تیپ دوم یا دکترین جواز تصرف.

الف) دکترین قیام تیپ اول یا دکترین وجوب حکومت

در این دکترین، شبکه‌ای از مفاهیم (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) بدین صورت شکل گرفته که امامت معصوم، یکی از مفاهیم پنجگانه بنیادین آن است. همچنین در راستای مفهوم امامت، به مهدویت و غیبت که یکی از ارکان اصلی تفکر سیاسی شیعه است، می‌رسیم. از این‌رو، درباره ماهیت زندگی سیاسی شیعه در دوره غیبت، یک دکترین به تعطیلی و تحریم حکومت برای تحقق احکام اسلامی حکم کرد که شرح آن گذشت و دیگری به وجوب حکومت نظر دارد. اینک برای آشنایی با نوع دوم، یعنی دکترین وجوب حکومت، مدلی را که این دکترین به نمایش می‌گذارد، ارائه می‌دهیم.



بنابراین در این دکترین، حکومت، جایگزین امامت معصوم^ع در شرایط غیبت می‌شود و با توجه به اذن امام^ع، بسیاری از وظایف و مسئولیت‌های ولایی امام را به انجام می‌رساند. در این دکترین گفته شده است: «هر آنچه که نبی^ص و امام^ع به‌عنوان سلاطین مردم و دژهای استوار اسلام در آنها ولایت دارند، فقیه نیز بر آنها ولایت دارد^۱ مگر آنچه که به دلیل

۱. ملا احمد نراقی، یکی از قائلین به دکترین وجوب حکومت، در این باره می‌گوید: «دلیل بر اینکه قلمرو حکومت فقیه به‌سان اختیارات پیامبر^ص و امامان معصوم^ع است، مقتضای ظاهر اجماع است؛ چراکه بسیاری از فقها به

اجماع و نص استثناء شده‌اند. فلذا هر کاری که به امور دینی یا دنیوی مردم مربوط می‌شود، می‌بایست انجام شود و هیچ راه فراری به دلایل مختلف وجود ندارد یا به حکم عقل و عادت و به لحاظ توقف امور معاش و معاد و انتظام دین و دنیا یا به حکم شرع از جهت ورود امر به آن یا اجماع و یا نفی ضرر و یا عسر و حرج و فساد بر مسلمانان یا به هر دلیل دیگر، واجب باشد و نیز کارهایی که ضرورت آن مشخص است، ولی مسئولیت آن بر عهده شخصی نهاده نشده است یا اموری که شارع، اذن داده، ولی مأمور اجرا در آن معلوم نیست، در همه این موارد، وظیفه فقیه است که تصرف نموده و آن را انجام دهد». (ایزدهی، ۱۳۸۴: ۱۱۱)

نظریه‌پردازان دکترین وجوب حکومت

قائلین به دکترین وجوب حکومت ولایت فقیه به ترتیب عبارتند از:

۱. علامه حلی (متوفای ۷۲۶ هـ.ق)؛
۲. محقق کرکی (متوفای ۹۴۰ هـ.ق)؛
۳. ملا احمد نراقی (متوفای ۱۲۴۵ هـ.ق)؛
۴. صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ هـ.ق)؛
۵. امام خمینی (متوفای ۱۴۰۹ هـ.ق)؛

ویژگی‌های دکترین قیام

ویژگی‌های دکترین قیام کاملاً در مقابل دکترین اسقاط تکلیف قرار گرفته است؛ چراکه نظریه‌پردازان این دکترین بر این باورند که اگر شئون و شخصیت اسلامی و نیز شعائر اسلام و احکام آن، در جامعه کم‌رنگ شود یا مورد اهانت قرار گیرد، به یقین، کسی که از همه بیشتر نگران و آزرده خاطر می‌شود، شخص شخیص آن، ولی اعظم خداست. از این رو، باید در کاستی‌ها و کمبودها بیندیشیم و برای رفع معایب و نواقص کمر همت

آن تصریح کرده‌اند، به گونه‌ای که از سخنان آنان فهمیده می‌شود که این امر نزد آنان از مسلمات بوده است.
(نک: ایزدهی، ۱۳۸۴: ۵۳۰)

ببندیم؛ زیرا این همه اسراف و تبذیر، این همه افراط و تفریط و این همه اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی، شایسته جامعه منتظر نیست.^۱

بر این اساس، ویژگی‌های جامعه منتظر عبارت است از: ۱. بطلان تفکر غرب‌گرایی و غرب‌زدگی؛ ۲. تمسک تام و تمام به هویت اسلامی؛ ۳. کم‌رنگ نشدن شئون و شعایر اسلام و احکام آن در جامعه؛ ۴. امیدواری به یاری خدا و پیروزی اسلام؛ ۵. استقامت دینی در برابر هجوم دشمنان اسلام؛ ۶. رفع کاستی‌ها و کمبودها و رفع اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی؛ ۷. اصلاح خود و جامعه؛ ۸. جامعه منتظر، تمدنش اسلامی و برگرفته از قرآن مجید است؛ ۹. جامعه‌ای زنده، قوی، قدرتمند، شجاع، صادق و خودکفا؛ ۱۰. در برابر مؤمنان، متواضع در برابر کافران، سرسخت و نیرومند؛ ۱۱. جامعه‌ای با عفت و پارسا در همه زمینه‌ها؛ ۱۲. رشد و اشاعه اخلاق اسلامی.

خلاصه، جامعه منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، باشد؛ یعنی برنامه‌هایش صحیح‌تر و به‌طور کلی، همه چیزش در مسیر انتظار باشد. بنابراین، خط غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد، تمسک تام و تمام به هویت اسلامی باید افتخار و گرایش به بیگانگان عار باشد. با حفظ این ویژگی‌هایی که برای جامعه منتظران برشمردیم، اکنون ویژگی‌های دکتربین آن را نیز در محورهای زیر به نمایش می‌گذاریم.

۱. انتظار همراه با عمل

چون همه انتظار داریم وجود مبارک بقیه‌الله اعظم را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود (رحیم‌پور، ۱۳۸۱: دفتر ۴۲، ۳۶۷) بلکه باید همراه با انتظار، گام‌هایی هم در این جهت برداشت.

۲. مبارزه با معصیت، گناه و ظلم

این دکتربین بر خلاف دکتربین اسقاط تکلیف، می‌گوید:

۱. پیام آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی در ۱۳ شعبان ۱۴۲۲ هـ. ق کتاب گفت‌مان مهدویت، ۱۳۸۱ صص ۱۶ و ۱۷.

نگویید بگذار تا امام زمان عج بیاید. [مگر] شما نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی امام زمان عج آمد، بخوانید؛ حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: «باید معاصی را رواج داد تا امام زمان بیاید؛ اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی‌کند» (همان: ۳۷۰) این دکترین می‌گوید که اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی‌های منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فانالله و انا الیه راجعون. صاحب‌نظران این دکترین استدلال می‌کنند که اصلاً حضرت صاحب تشریف می‌آورند برای چی؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را... برای اینکه فساد را از بین ببرند. (همان: ۳۷۱)

۳. تلاش جهت مهیا کردن زمینه عدالت جهانی

امام خمینی درباره ویژگی سوم دکترین قیام می‌گوید:

قرآن و ضرورت اسلام و قرآن تکلیف کرده است ما را که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی‌توانیم بکنیم، چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند، اما باید ما فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا شود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه - (همان: ۳۷۷)

۴. ایجاد حکومت

بحث مورد نظر در این ویژگی، این است که برای رفع ظلم و آمادگی دولت کریمه، چه گام‌هایی و در چه وسعتی می‌توانیم برداریم؟ حضرت امام خمینی پاسخ این پرسش را در ایجاد حکومت در عصر غیبت می‌داند. بر این اساس می‌گوید: «لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد». (همان: ۳۷۸) پس وجود حاکمی که برپا دارنده و نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد. از این‌رو، بنا به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات رسول اکرم ص و زمان امیرمؤمنان، علی بن ابی‌طالب ع لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان نیز در زمان ما لازم است.

امام خمینی در ادامه بحث خود، پس از اینکه می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی و وطن اسلامی دفاع کنیم و...، وارد بحث مهمتری می‌شود و اعلام می‌دارد هر که اظهار کند تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است. (همان: ۳۸۴)

در جایی دیگر نیز پس از بیان این ضرورت، می‌افزاید: «اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی، اعتقاد به ولایت است.» از این رو، اعتقاد به ولایت و اینکه رسول اکرم (ص) از سوی پروردگار فرمان یافت که ولی امر مسلمانان را تعیین کند، ما را به ضرورت تشکیل حکومت رهنمون می‌سازد. بنابراین، باید بکوشیم تا دستگاه اجرای احکام و اداره امور برقرار شود و در این راه، این نکته را از خاطر دور نسازیم که مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی، لازمه اعتقاد به ولایت است. (همان)

پیامدهای دگرین قیام

۱. داشتن حکومت و نپذیری رفتن فرهنگ منحن غربی

امام خمینی در ضمن بیان ضرورت حکومت به دلیل ترویج تفکر فاصله گرفتن از ایجاد حکومت در عصر غیبت، می‌گوید: «چون در گذشته برای تشکیل حکومت و برانداختن تسلط حکام خائن و فاسد به‌طور دسته‌جمعی و بالاتفاق قیام نکردیم و بعضی سستی به خرج دادند و حتی از بحث و تبلیغ نظریات و نظامات اسلامی مضایقه نمودند، بلکه به عکس به دعاگویی حکام ستمکار پرداختند، این اوضاع به وجود آمد و نفوذ و حاکمیت اسلام در جامعه کم شد، ملت اسلام دچار تجزیه و ناتوانی گشت، احکام اسلام بی‌اجرا ماند و در آن، تغییر و تبدیل واقع شد، استعمارگران برای اغراض شوم خود به دست عمال سیاسی خود، قوانین خارجی و فرهنگ اجنبی را در بین مسلمانان رواج دادند و مردم را غربزده کردند، اینها همه برای این بود که ما رئیس و تشکیلات رهبری نداشتیم.»

۲. استواری در مبارزه و جهاد

پذیرش ویژگی‌های دکترین قیام که نمودی از جامعه منتظر است، دولت جمهوری اسلامی ایران را نسبت به کاربست دکترین قیام به‌عنوان وسیله‌ای برای نجات و رستگاری انسان از سلطه بیگانگان و اتصال به دولت کریمه، مصمم‌تر می‌سازد. بدین منظور، در راه مبارزه با ظلم و ستم باید گام‌های استوارتری را برداشت و در راه ایجاد و توسعه عدالت در جامعه و احقاق حقوق مظلومان و حفظ ناموس شریعت، تلاش بیشتری از خود نشان داد.

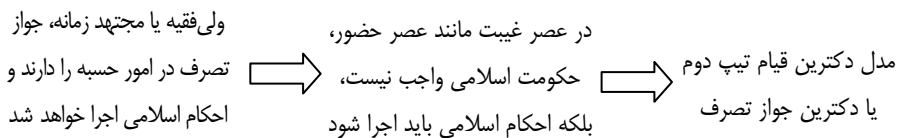
۳. گماشتن کارگزاران شایسته و لایق در مناصب

۴. ایجاد امنیت

۵. شفقت و مهربانی با مردم

(ب) دکترین قیام تیپ دوم یا دکترین جواز تصرف

این دکترین، نه مانند دکترین اسقاط تکلیف، به تعطیلی حکومت حکم می‌کند، نه مانند دکترین وجوب حکومت، درصدد ایجاد حکومت، آن هم به‌وسیله ولی فقیه است؛ زیرا در پاسخ به این پرسش که با توجه به مسئولیت فقیه در عصر غیبت نسبت به اجرای حدود و تعزیرات، آیا بر مجتهد واجب است برای فراهم شدن زمینه لازم جهت اجرای این مسئولیت بکوشد، می‌گوید: لایجب علیه ذلک. (عارفی، ۱۳۸۶: ۷۸) این دکترین دارای ویژگی‌های خاص خود است که در مدل زیر به نمایش گذاشته شده است.



این دکترین بر اساس قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم»، همه ادله نقلی ولایت فقیه (ادله‌های مستند و مورد تأیید که در بحث دکترین وجوب حکومت آورده شده) را فاقد استحکام و دلالت شفاف می‌داند. از این‌رو، از نقش سیاسی فقیه حداقل از منظر روایات به‌شدت می‌کاهد تا جایی که آیت‌الله خویی، یکی از قائلین به این دکترین، می‌گوید: «ما در بحث ولایت فقیه، از کتاب مکاسب بیان کردیم که روایاتی که به وسیله آنها بر ولایت فقیه

استدلال می‌شود، فاقد اعتبار سندی و دلالتی است». (همان: ۸۸)

در این دکتترین، عنوان ولایت^۱ که ایجاد حق می‌کند، نسبت به حاکمان عصر غیبت به کار نمی‌رود و ریاست حاکمان را از نوع جواز تصرف می‌داند (عارفی، ۱۳۸۶: ۹۸) البته برخی بر این باورند که قائلین به این دکتترین، از جمله مرحوم خویی، فاقد نظریه حکومت و ولایت سیاسی فقها، حتی جواز تصرف هستند؛ زیرا دایره اختیارات فقیه را در امور حسبه محدود می‌دانند که این‌گونه امور، جواز تصرف در امور اجتماعی و مدیریت سیاسی را ایجاد نمی‌کند، (کدیور، ۱۳۷۶: ۳۳ و ۳۹) ولی برخی دیگر معتقدند که این دکتترین هم به حکومت و ولایت سیاسی فقها در عصر غیبت می‌رسد، اما در اثبات ولایت فقیه، روش متفاوتی را در پیش می‌گیرند که این نمی‌تواند به معنای انکار نظریه حکومت و ولایت فقیه تلقی شود.

(معرفت، ۱۳۷۸: ۲۱۱ - ۲۲۳)

قائلین به دکتترین جواز تصرف

۱. سید محسن حکیم (متوفای ۱۲۹۰ هـ.ق)؛
۲. سید احمد خوانساری (متوفای ۱۴۰۵ هـ.ق)؛
۳. سید ابوالقاسم خوئی (متوفای ۱۴۱۲ هـ.ق).

ویژگی‌های دکتترین جواز تصرف

۱. محدود بودن قلمرو و دایره اختیارات فقیه

در دکتترین وجوب حکومت، قلمرو اختیارات ولی فقیه بسیار گسترده بود تا جایی که یکی از صاحب‌نظران و قائلین به این دکتترین، قلمرو ولایت فقیه را سلطنت فقیه بر تمام امور و

۱. در این دکتترین، ولایت یعنی تسلط و قدرت یافتن بر تصرف در مال خود یا دیگران: «ان الولاية عبارة عن التسلط و التمکن من التصرف فی ماله او مال غیره». نک: اندیشه سیاسی آیت‌الله خویی، ص ۷۸، به نقل از: محمدتقی خوئی، شرح العروه الوثقی، کتاب النکاح، ج ۳۳، ص ۲۵۱. قائلین به این دکتترین، از جمله مرحوم خویی، ولایت سیاسی را با عنوان ولایه الامر آورده و ولایت سیاسی را به دو شکل تفسیر کرده است: ۱. سلطه همه جانبه که مربوط به رهبران معصوم می‌باشد؛ ۲. جواز تصرف که مربوط به رهبران معمولی است. (نک، اندیشه سیاسی آیت‌الله خویی، صص ۷۱-۷۸، به نقل از: مصباح الفقاهه، ج ۵، مبحث ولایت فقیه).

شئون مردم، حتی اموال و نفس آنان می‌داند، ولی در دکترین جواز تصرف، با اینکه ریاست فقیه را در همه امور حسبی^۱ محرز داشته است و نیز این ریاست را از باب قدر متیقن لازم می‌دارد، (عارفی، ۱۳۸۶: ۹۲) ولی می‌گوید چون ولایت برای فقیه در زمان غیبت با دلیل نقلی ثابت نشده است، پس ولایت مخصوص پیامبر و ائمه است. از این‌رو، تنها چیزی که از روایات استفاده می‌شود، دو مسئله است: ۱. نفوذ قضاوت فقیه؛ ۲. حجت فتوای او. بنابراین، او نمی‌تواند در مال صغیر یا غیر آن، از شئون ولایت تصرف کند، مگر در امور حسبی. (همان: ۹۱) بر این اساس، اینان نتیجه می‌گیرند که قلمرو اختیارات فقیه بسیار محدود است و او هرگز نمی‌تواند مانند پیامبر و ائمه، اختیارات وسیع و مطلق داشته باشد، بلکه دایره اختیارات او به دو موردی که بیان شد، محدود می‌شود.

۲. حرمت همکاری با ظالم

به اعتقاد افرادی همچو خویی، همکاری با حکام ظالم از نظر همه مسلمانان، بلکه همه عقلای جهان جایز نیست. (همان: ۶۷)

۳. فعال کردن سیستم قضا و فتاوا (نهادی‌نه کردن این شأن مجتهد)

مرحوم خویی مهم‌ترین مناصب مرجع تقلید را منصب افتا و قضاوت بیان کرده است. (همان: ۶۰) بنابراین، بر اساس قاعده اولیه، مراجعه به محاکم قضایی حکومت‌های ظالم را حرام دانسته و معتقد است نهاد قضا در شیعه تحت زعامت حاکم شرع که همانا مجتهد جامع‌الشرایط است، در عصر غیبت فعالیت می‌کند. از این‌رو، قاضی باید مجتهد باشد و رجوع به قاضی ستمگر، از بارزترین مصادیق اتکا به ظلم است که در شرع حرام است.^۲

۴. تعامل مصلحت‌آمیز با نظام سیاسی ستمکار

جامعه سیاسی شیعه برای حفظ حیات خود می‌تواند ۱. اموال و دارایی‌هایی که تحت تصرف حکومت ستمکار است، بخرد. (عارفی، ۱۳۸۶: ۷۵) ۲. دریافت جوایز و حقوق از

۱. امور حسبی عبارت است از: اموری که شارع مقدس، فروگذاری آنها را اجازه نمی‌دهد و هرگونه واجب کفایی

که بر هر کس که توانایی انجام آن را دارد، لازم است آنها را بر عهده گیرد. (نک: معرفت، ۱۳۷۸: ۲۱۲)

۲. میرزاعلی غروی، التنقیح، ج ۱، ص ۳۵۹.

حکومت ظلم جایز است، همان گونه که مرحوم خوبی می گوید جوایز ظالم حلال است، اگرچه اجمالاً بداند که مال او آمیخته با حرام است. همچنین هر مالی که در دست ظالم باشد، گرفتن، تملک و تصرف در آن، به اذن او جایز است، مگر آنکه علم به غصبی بودن آن داشته باشد. (همان)

در پایان این بحث، با نظر به اینکه که بحث اصلی و اساسی این دکتترین، توجه به اجتهاد و تقلید است و هر شیعه الزاماً در چارچوب دو مفهوم اجتهاد و تقلید مرتبط با سازمانی واحد مثلاً در نجف یا قم نایل می گردد، این پرسش مطرح می شود که آیا این دکتترین تهدیدی علیه دکتترین وجوب حکومت به شمار می آید یا اینکه این دو دکتترین در کنار هم سبب توسعه جامعه اسلامی خواهند شد؟ و به عبارتی دیگر، با توجه به سه اتفاق مهمی که در حیات سیاسی شیعه رخ داد، آیا برگشت از اتفاق سوم به اتفاق اول باعث بحران و شکست یا تهدید در حیات سیاسی شیعه می باشد یا خیر؟

اینک برای آگاهی بیشتر به بیان این سه اتفاق می پردازیم.

۱. علامه حلی با تبیین جدی نظریه اجتهاد و تقلید این مفهوم را چندان استوار کرد که هر شیعه الزاماً در چارچوب دو مفهوم اجتهاد و تقلید، مرتبط با سازمانی شود.
۲. محقق کرکی با تبیین نظریه نیابت مجتهد از سوی امام زمان، راه را برای استوار شدن هرچه بیشتر توده شیعه با مجتهد الزمانی (رئیس شریعت) فراهم کرد.
۳. امام خمینی با بحث ولایت فقیه، اقدام علامه حلی و محقق کرکی را کامل کرد و با طرح این نظریه، راه را برای تمرکز هموار نمود.

بخش سوم: دکتترین های مرتبط با مهدویت در عصر ظهور

اینکه دیروز جهان به فردای آن پیوند خواهد خورد، از امور مسلم تاریخ است و «فردا»، همان مکتب فکری تشیع یا مکتب فکری مهدویت خوانده می شود که مؤید آن، **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي**

الرَّبُّورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿۱۰۵﴾ (انبیاء: ۱۰۵) است. پیش از بیان دکترین‌های مرتبط با مکتب فکری مهدویت در عصر ظهور، ابتدا از باب مقدمه به پیش‌فرض‌هایی که همه این دکترین‌ها آن را دارا هستند، اشاره می‌کنیم. دکترین‌های عصر ظهور بر اساس مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها طراحی شده‌اند که در مجموع عبارتند از:

۱. اینکه منجی خواهد آمد، وعده الهی است، آن هم تنها وعده نیست، بلکه قطعیت دارد و تحقق پیدا می‌کند.^۱ البته اصل اعتقاد به ناجی یا مهدویت، یک اعتقاد همگانی است که در ادیان گذشته مثلاً در تورات و زبور، به آن بشارت داده شده است، ولی شیعه شخص او را نیز از نظر حسب و نسب معرفی می‌کند و این اصل، بر حسب اصول مذهب شیعه اثنی عشریه، ایمان بدون آن کامل نمی‌شود. (گفتمان مهدویت، ۱۳۷۷: ص ۲۴۴)

۲. حکومتش، حکومت واحد جهانی است.^۲

۳. آن منجی عالم بشریت، لقبش مهدی عج است. او که فرزند بلافصل امام حسن عسکری عج است، در تاریخ ۲۵۵ یا ۲۵۶ هـ ق متولد شده و در حال غیبت به سر می‌برد.^۳ او آخرین ذخیره امامت است.

۴. اسلام در همه جهان گسترش می‌یابد.

۱. این عقیده شیعه که پیوسته باید حجت حق به‌طور حی و زنده در روی زمین باشد تا واسطه برکات فیوضات الهی برای همه جهانیان به شمار آید، پایه مکتب تشیع را تشکیل می‌دهد. (نک: معرفت، گفتمان مهدویت، ۱۳۷۷: ۳۵)

۲. مؤید این گفتار، روایات فراوان و آیه ۱۰۵ سوره انبیاء: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» است. البته همه دکترین‌های موجود در زمینه حکومت واحد جهانی حضرت حجت و اینکه چنین حکومتی ایجاد خواهد شد، با استناد به آیاتی همچون آیه ۵ و ۶ سوره قصص: «ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم»، آن را بلاشک می‌دانند.

۳. مبنای تشیع، ضرورت وجود حجت به‌عنوان واسطه فیض است، همان‌گونه که در زیارت امام حسین عج می‌خوانیم: «یگانه واسطه فیض به‌طور مطلق و فراگیر شما هستید... ارادة الربِّ فی مقادیرِ أمورِهِ تهبطُ الیکم و تصدرُ من بیوتکم». (نک: گفتمان مهدویت، ۱۳۷۷: ۳۶)

۵. عدالت را در سراسر جهان گسترش می‌دهد. (بزرگ پرچمدار رهایی انسان‌ها از ظلم و ستم استکبار و یگانه دادگستر ابدی است).

۶. در زمان حضرت حجت، اسلام در ابعاد مختلف زندگی مردم وارد می‌شود.

۷. مهدی ناظر بر اعمال شیعیانش است و یار و مددکار ایشان در تمام حالات به ویژه در سختی‌ها و مشکلات آنان است.

۸. باب بهره جستن حضوری از آن بزرگوار در زمان غیبت کبری مسدود است و بهره بردن از مقام عظمای ایشان بنا به فرمایش خودشان، همچو نفع بردن از خورشید در پس ابرهاست.

۹. غیر از ذات اقدس الهی، احدی از مردم از روز ظهورش خبر ندارد. ظهور و درک کردن حضرت حجت به دست خداست.

۱۰. تمام موجودات زمین به ثمن وجودش روزی می‌خورند و او لنگر زمین و آسمان است.

همه این مبانی یا پیش‌فرض‌ها، با تکیه بر احادیث رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومین  ثابت شده است، ولی برای پاسخ به این پرسش که حضرت حکومت واحد جهانی خود را با توجه به پیش‌فرض‌های بیان شده، چگونه ایجاد می‌کند، به دکتترین‌های زیر می‌پردازیم.

۱. دکتترین قیام طبیعی

قیام طبیعی یعنی این قیام هم مانند هر قیامی، کشت و کشتاری را به همراه دارد و معجزه‌ای در راه تحقق آن رخ نخواهد داد. این دکتترین معتقد است حضرت در تأسیس حکومت، با تکیه بر جنگ و جهاد است که پیروز می‌شود و حکومت جهانی را تشکیل می‌دهد. مؤید این گفتار روایاتی است که از سوی ائمه معصومین  بیان شده است. برای مثال، محمدباقر مجلسی در کتاب خود، بحارالانوار، جلد ۵۱، صفحه ۲۱۸، از امام معصومین  نقل می‌کند که در روایت شباهت امام زمان به پیامبر: «و اما شبهه من جده المصطفی فخروجه بالسیف و قتله اعداءالله و اعداء رسول و الجبارین والطواغیت و انه ینصر بالسیف والرعب»، به این قسمت استشهاد می‌شود که حضرت قیامش و نهضتش

مانند قیام حضرت رسول ﷺ، با شمشیر است.

دومین مطلبی که این دکترین به آن استناد می‌کند که حضرت باید با جنگ و کشتار وارد شود، این است که می‌گویند چون حکومت پیامبر، با شکستن دندان و پیشانی مبارکشان خون‌آلود شد و نیز آن بزرگوار در جنگ‌های مختلفی شرکت کرد، پس پیروزی امام هم باید به‌وسیله جنگ باشد نه با معجزه؛ زیرا اگر قرار بود با معجزه حل شود، دوران پیامبر و برای پیامبر می‌شد. از این‌رو، قائلین به این دکترین (قیام طبیعی)، روایتی را از کتاب *الغیبه* محمد بن ابراهیم النعمانی از صفحه ۲۸۴ بیان می‌کنند که بیانگر سختی کار و رنج و تبعی است که در ایجاد حکومت حضرت واقع می‌شود. در این روایت آمده است ظهور آن حضرت چنان با رنج و تعصب همراه خواهد بود که ما و شما عرق را به همراه لخته‌های خون از پیشانی خود پاک کنیم. (گفتمان مهدویت، ۱۳۸۱: ۱۷)

۲. دکترین عدالت مبتنی بر علم امام

این دکترین در پی بیان مسئله اساسی رابطه میان عدالت و چگونگی تحقق آن در جامعه و نیز شیوه تأثیرگذاری آن بر ساختار اجتماعی است.

این دکترین معتقد است تفاوت میان حکومت حضرت حجت و دیگر حکومت‌ها آن است که پیامبر اکرم ﷺ و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام حکومتشان مبتنی بر وجود شاهد بود؛ یعنی اگر کسی کشته می‌شد، ولی علیه قاتل شاهی نبود، خون کشته هدر می‌رفت. در دزدی یا موارد دیگر نیز حکم به همین گونه بود، اما حکومت حضرت حجت علیه‌السلام بنا بر علم ایشان است؛ یعنی اگر در زمان حکومت ایشان دزدی شود، دستور می‌دهد دزد را بیاورند و دستش را ببرند و مال را به صاحبش بازگردانند. بدین خاطر است که در زمان حضرت حجت علیه‌السلام عدلی به پا می‌شود که در هیچ زمان نبوده است. (گفتمان مهدویت، ۱۳۸۱: ۲۷)

به نظر می‌رسد این دکترین به دلایلی نیاز به تأمل و پردازش بیشتری دارد. این دلایل عبارتند از:

۱. در نظر صاحب اندیشه این دکتترین، عدالت، به معنای حقوقی آن در نظر گرفته شده است، در صورتی که عدلی که امام علیه السلام بر پا می‌دارد، تنها عدل در محکمه حقوقی نیست، بلکه فضایی را به وجود می‌آورد که در تمام ابعاد حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی، عدل، رعایت و اجرا شود.

۲. یکی از مشکلات اساسی این دکتترین، مستند نبودن این نظریه به دلایل روایی یا نقلی است.

۳. دکتترین قابلیت اجتماعی

این دکتترین بر اساس آن پیش‌فرض‌هایی که ارائه شد معتقد است عدل کلی، یک آرزو و خیال نیست، بلکه یک واقعیتی است که دنیا به سوی آن در حرکت است و این، سنت الهی است که انجام خواهد شد، ولی بحث این است که ۱. این عدل چگونه اجرا می‌شود و این پیش‌فرض‌های بیان شده چگونه تحقق می‌یابد؟ ۲. ارتباط زندگی ما و رفتار ما با این واقعیت چگونه است؟

این دکتترین حیات بشر را به سه دوره تقسیم می‌کند و بر این باور است که اجتماع مانند فرد سه دوره کلی دارد.

| فرد | اجتماع |
|----------------------------|--|
| ۱- دوره بازی [کودکی] | ۱- دوره اساطیر و افسانه [به تعبیر قرآن دوره جاهلیت] |
| ۲- دوره خشم و شهوت [جوانی] | ۲- دوره علم [یعنی دوره حکومت خشم و شهوت] |
| ۳- دوره عاقل مردی [پیری] | ۳- دوره معرفت و عدالت و صبح انسانیت و معنویت و پختگی |

یکی از صاحب‌نظران این دکتترین می‌گوید:

مگر می‌شود که خداوند این عالم را خلق کرده باشد و بشر را به‌عنوان اشرف مخلوقات آفریده باشد و تا زمانی که بشر به دوره بلوغ خودش نرسیده، یک مرتبه تمام بشر را زیر و رو کنند؟! نه، ما شیعیان امید داریم و آرزو می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که زندگی در پرتوی یک دولت بزرگواری که تعز به‌الاسلام و اهله و

تذل بها النفاق و اهله را به ما عطا کند. (مطهری، ۱۳۸۱: ج ۱۸، ۱۸۱)

اما اینکه این اقامه عدل چگونه تحقق پیدا خواهد کرد، پرسشی است که این دکترین این‌گونه به آن پاسخ می‌دهد: حادثه‌ای به نام عدالت یا عدل در دنیا، نه از حیث انفجار (یعنی آنچه در دکترین اسقاط تکلیف گفته شد)، بلکه از طریق سیر تکاملی خودش ایجاد خواهد شد. توضیح مطلب اینکه، این دکترین برای رسیدن به دولت کریمه، دو جنبه را لحاظ می‌کند، نه مانند دکترین اسقاط [که] فقط افزایش فساد را در نظر می‌گیرد و اینکه جهان پر از جور و ظلم و فساد شود تا امام جهت اقامه عدل تشریف بیاورند، بلکه این دکترین می‌گوید زمان باید آن‌قدر جلو برود که از یک نظر هر اندازه فاسد شود، از نظر دیگر با فساد مبارزه شود تا آنهایی که می‌خواهند حکومت را تشکیل بدهند و به تبع در زیر لوای ایشان، زمامدار جهان شوند، پدید آیند. بنابراین، هم رو به پریشانی می‌رویم و هم رو به سامانی؛ ما که رو به ظهور حضرت حجت می‌رویم، در آن واحد هم رو به پریشانی می‌رویم و هم رو به سامانی. (همان: ۱۷۹) بنابراین، دکترین قابلیت اجتماعی عصر ظهور، پلی با دکترین قیام (وجوب حکومت) عصر انتظار زده و این چنین حکم صادر می‌کند که به اسلام هرگز دستور نمی‌دهد که تکالیف را انجام ندهید، بلکه می‌گوید نماز بخوانید، روزه بگیرید، امر به معروف کنید و... اینها اصلاحات داد به سامانی رفتن است و همین اصلاحات هم ظهور حضرت حجت را نزدیک می‌کند، همان‌طور که آن پریشانی‌ها نیز ظهور حضرت حجت را نزدیک می‌کنند. این دکترین می‌گوید که زندگی سعادت‌مند بشر آن است که در آینده است. اینکه اکنون هست، موقت است و آن آینده، یعنی دوره عقل و عدالت. بنابراین، اگر بشر خوب تربیت شود، اگر زیر دست مری کامل قرار گیرد، می‌رسد به جایی که خودش واقعاً عدالتخواه شود. (همان: ۱۵۸)

دکترین قابلیت اجتماعی، در پاسخ به این پرسش که چگونه در مردم آمادگی عقلی پیدا می‌شود و حکومت حضرت مهدی را می‌پذیرند یا به عبارت دیگر، چگونه مردم وارد مرحله سوم اجتماعی می‌شوند؟ می‌گوید که وقتی آن حضرت ظهور می‌کند، خدای متعال دست خود

را بر سر افراد بشر می‌کشد و عقل افراد بشر افزون می‌شود، در نتیجه فکر و عملشان زیاد می‌گردد. (همان: ۱۵۹)

بنابراین، این دکتربین معتقد است که تنها قدرت و قوه اجرایی نیرومند، قادر به براندازی فساد و گسترش عدل و داد نیست، بلکه باید جامعه انسانی از نظر عقل و خرد و دانش و بینش به پایه‌ای برسد که طبعاً خواهان برقراری حکومت حق و قانون و طرد ظلم و طغیان گردد و یک چنین حالتی جز در پرتو تکامل فرهنگ انسانی امکان‌پذیر نیست و بسیاری از مشکلات در عصر ظهور امام از این طریق حل خواهد شد؛ زیرا امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رأس العباد». (گفتمان مهدویت، ۱۳۸۱: ۸۶)

جدول مقایسه دکتربین‌ها

هر یک از دکتربین‌های مندرج در جدول شماره یک، از اهمیت اساسی مؤلفه‌ها و مقومات دکتربین‌های مرتبط با مهدویت حکایت دارد که این نوشتار صرفاً در مقایسه با پنج دکتربین: اسقاط تکلیف، دکتربین قیام (اعم از تیپ یک و تیپ دوم)، دکتربین قیام طبیعی، دکتربین عدل بر مبنای علم امام و دکتربین قابلیت اجتماعی، مباحثی را ارائه کرده است. البته دکتربین‌های مختلف، فصول مشترک بسیاری با یکدیگر دارند و تفاوت آنها تنها در تأکیدهاست، به جز دکتربین اسقاط تکلیف که تفاوتی ماهوی با دکتربین‌های دیگر دارد. برای مثال، دکتربین قیام طبیعی به شدت به خشونت و خونریزی توجه می‌کنند و دکتربین عدل بر مبنای علم امام علیه السلام، به وجوه تفاوت عصر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام با قیام حضرت مهدی توجه دارند، به گونه‌ای که در آن عصر، عدل بر مبنای وجود شاهد است، ولی در زمان حضرت مهدی، عدل بر مبنای علم امام است. از این رو، جوامع پر از عدل و داد می‌شود، آن هم از روی علم امام. آنچه که این دکتربین بر آن تأکید دارد، چگونگی اجرای عدل بر پایه علم امام است.

جدول شماره یک: جدول مقایسه دکترین‌ها

| دکترین‌های عصر ظهور | | | دکترین‌های عصر انتظار | | مفاهیم و مؤلفه‌ها |
|---|--|-------------------------------|---|--|-------------------|
| دکترین قابلیت اجتماعی | دکترین قیام طبیعی | دکترین عدل مبتنی بر علم | دکترین قیام | دکترین اسقاط تکلیف یا تعطیلی حکومت | |
| هم ظلم و فساد و هم عدالت و مبارزه با ظلم | پر از ظلم و جور | — | — | پر از ظلم و جور و فساد | وضعیت جهان |
| پذیرای دولت کریمه، چون به دوره سوم مرحله تاریخی خود رسیده است | عدم پذیرش و پیروزی از راه جنگ و جهاد و خونریزی | پیروزی از روی علم امام | خواهان جامعه‌ای باعفت و پارسا در همه زمینه‌ها | جامعه‌ای پر از گناه و بی‌بند و باری | وضعیت جامعه |
| امنیت جهانی | امنیت جهانی | امنیت جهانی | تلاش برای ایجاد امنیت | ناامنی و هرج و مرج | نظم اجتماعی |
| یک حکومت | یک حکومت | یک حکومت | عینیت دین و سیاست و وجوب حکومت | جدایی دین از سیاست و تعطیلی حکومت | موقعیت حکومت |
| یک فرهنگ | یک فرهنگ | یک فرهنگ | تلاش برای فرهنگ اصیل اسلامی | روا داشتن محرمات | موقعیت فرهنگ |
| یک دین | یک دین | یک دین | حضور دین در حوزه عمومی | جدایی دین از حوزه عمومی | موقعیت دین |
| یک قانون دولت | یک قانون دولت | یک قانون دولت | ایجاد دولت و قانون اسلامی برای اجرای احکام اسلامی | همکاری با دولت طاغوتی و بی‌قانونی به‌منظور ظهور دولت کریمه | قانون و دولت |
| اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی | اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی | اوج و شکوفایی ارزش‌های اسلامی | رشد اشاعه اخلاق اسلامی | رشد و اشاعه مسائل ضد اخلاقی | ارزش‌ها |

نتیجه‌گیری

این نوشتار به دو بخش: ۱. دکترین‌های مرتبط با مهدویت در عصر انتظار؛ ۲. دکترین‌های مرتبط با مهدویت در عصر ظهور، تقسیم شده است که در بخش اول، نویسنده مقاله به این نتیجه رسید که صاحب‌نظران مدل دکترین تعطیلی حکومت در عصر غیبت، برافراشتن هر پرچمی را در این عصر به‌عنوان حکومت اسلامی، غصبی و باطل می‌دانند، هر چند معتقدند باید به منظور تحقق حکومت امام زمان بی‌کار نشست و تلاش کرد. از این‌رو، اینان بر این باورند که تلاش برای زمینه‌سازی حکومت امام زمان، از راه به‌دست گرفتن حکومت نخواهد بود؛ چراکه برافراشتن هر پرچمی در عصر غیبت به‌عنوان حکومت اسلامی، غصبی و باطل است. بنابراین، تنها از راه گناه و افزایش آن است که زمینه‌های تحقق حکومت امام زمان میسر می‌شود. این دکترین در سال ۱۳۳۲ با رهبری فردی روحانی به نام شیخ محمود تولایی (ذاکرزاده) مشهور به حلبی با ایده جدایی حوزه دینی از عرصه حکومت، به‌عنوان تنها انجمن تشکیلاتی غیر دولتی، در ایران شروع به فعالیت کرد، ولی از آنجایی که امام خمینی یکی از مخالفان اساسی این خط فکری بود، زوال این دکترین در دهه ۶۰ به‌عنوان دکترینی که از سویی توان کافی تحلیل واقعیت‌های اجتماعی را ندارد و از سوی دیگر، به دلیل تحقق و عینیت یافتن اندیشه امام خمینی و استقرار جمهوری اسلامی حتمی شد.

آنهایی که به مدل دکترین قیام باور دارند، خود به دو تیپ تقسیم می‌شوند: تیپ اول دکترین قیام یا همان دکترین وجوب حکومت، بیان می‌دارند که چون ولی فقیه وظایف و مسئولیت‌های ولایی امام معصوم علیه السلام را به انجام می‌رساند، پس در عصر غیبت نیز مانند عصر حضور امام معصوم علیه السلام، ایجاد حکومت به‌منظور اجرای احکام اسلامی، واجب است، ولی تیپ دوم دکترین قیام یعنی دکترین جواز تصرف، نه مانند دکترین اسقاط تکلیف به تعطیلی حکومت حکم می‌کند، نه مانند دکترین وجوب حکومت درصدد ایجاد حکومت آن هم به

وسیله ولی فقیه است؛ چراکه قائلین به این دکترین، در پاسخ به این پرسش که با توجه به مسئولیت فقیه در عصر غیبت نسبت به اجرای حدود و تعزیرات، آیا بر مجتهد واجب است برای فراهم شدن زمینه لازم جهت اجرای این مسئولیت بکوشد، می‌گوید: لایجب علیه ذلک. نکته‌ای که در اینجا خالی از فایده نیست، بیان وجوه اشتراک این دو است. با اینکه این دو تیپ اختلافاتی با هم دارند، ولی می‌توان گفت که هر دو در عصر انتظار خواهان جامعه‌ای باعفت و پارسا در همه زمینه‌ها هستند. همچنین می‌کوشند تا در جامعه امنیت ایجاد شود و مردم به سوی رشد و اشاعه اخلاق اسلامی گام بردارند و با اجرای فرهنگ اصیل اسلامی، زمینه‌های لازم برای حکومت اسلامی امام زمان فراهم گردد.

در بخش دوم، نویسنده در مقاله بیان داشته است اینکه دیروز جهان به فردای آن پیوند خواهد خورد، از امور مسلم تاریخ است و فردا، همان مکتب فکری تشیع یا مکتب فکری مهدویت خوانده می‌شود. همچنین آمدن منجی و تشکیل حکومت واحد جهانی به وسیله او و نیز ویژگی‌هایی که برای این حکومت واحد بر شمرده‌اند، امری مسلم است، اما پرسش این است که حضرت حکومت واحد جهانی خود را چگونه تشکیل می‌دهد؟ در این باره، هر یک از دکترین‌ها، ایده‌هایی را بیان کرده‌اند؛ برای مثال، قائلین دکترین قیام طبیعی بر این باورند که این قیام هم مانند هر قیامی، کشت و کشتاری را به همراه دارد؛ چرا که در راه تحقق آن، معجزه‌های رخ نخواهد داد. قائلین به دکترین عدالت مبتنی بر علم امام هم این‌گونه استدلال می‌کنند که تفاوت میان حکومت حضرت مهدی با دیگر حکومت‌ها آن است که پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ؑ حکومتشان مبتنی بر وجود شاهد بود، ولی حکومت امام زمان بنا بر علم آن حضرت است. آخرین دکترین، یعنی دکترین قابلیت اجتماعی، بر این مطلب تأکید می‌ورزد که عدل کلی، یک آرزو و خیال نیست، بلکه یک واقعیتی است که دنیا به سوی آن در حرکت است و این، سنت الهی است که انجام خواهد شد. از این‌رو، این دکترین حیات بشر را به سه دوره تقسیم کرده است که در دوره

سوم، یعنی دوره عاقله‌ورزی (دوره‌ای است که انسانیت و معنویت و پختگی انسان به کمال می‌رسد)، انسان، خود خواهان امام زمانش خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سروش، ۱۳۸۱.
۲. امام خمینی، ولایت فقیه امام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۳. ایزدهی، سید سجاد، *اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
۴. توحیدی، محمدعلی، *مصباح الفقاهه*، جلد پنجم، قم، انتشارات انصاریان، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۵. جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۶. رحیم‌پور، فروغ السادات، *تبیان (آثار موضوعی)*، دفتر چهل و دوم (امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۷. عارفی، محمداکرم، *اندیشه سیاسی خویی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۸. علی‌بابایی، غلامرضا و بهمن، آقایی، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، شرکت نشر ویس، ۱۳۶۵.
۹. کدیور، محسن، *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
۱۰. *گفت‌وگوهای مهدویت (مجموعه سخنرانی‌ها)*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۱. *مجله بیان شماره‌های ۵ و ۶*، عنوان مقاله: *عوامل و شرایط تضعیف شورای نگهبان*، مهر و آبان ۱۳۶۹.
۱۲. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، جلد هجدهم، قم، صدرا، ۱۳۸۱.
۱۳. معرفت، هادی، *جامعه مدنی*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، *ویژه‌نامه برترین‌های فرهنگ مهدویت*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۱۵. مهدی، علی، *تجربه ایران اولین مؤمنان سکولار*، جامعه نو، ۱۳۸۳.

